

هدیه جمهوری اسلامی برای "مستکبرین"

شرعیه هم بصورت قانون درآمده است. این امر یعنی قانونیت بخشیدن به امری دینی است که طبق روایات نقل شده از سوی خستود حضرات معمولاً افراد متمول برای اینک عاقبت بخیر شوند و بخیال خود در آخرت هم از امکانات شمالی بهشت برخوردار گردند. میبایستی از درآمدهای هنگفت خود (دزدیههای قانونی و غیرقانونی) را بعنوان وجوه شرعیه در اختیار روحانیون میگذارند تا این قشر انکلی از جامعه هم که همواره نیکار است و دسته سیاه و سفید نمیزند از قبل این درآمدهای حلال کسب فیض کند.

بدین ترتیب همانگونه که در همدی جوامع سرمایه داری صاحبان سرمایه برای حفظ موقعیت خویش و کسب سود بیشتر همه نوع امکانات سرکوب و تحمیق را علیه زحمتکشان بکار میبرند، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی هم بخاطر "بی علاقگی" مفرطشان به دنیا و مادیات در کنار استفاده از همان امکانات سرکوب و تحمیق حتی حاضرند که بکار "الهی" (پرداخت وجوه شرعیه) را به یک اصل قانونی اجباری تبدیل نمایند و نوع جدیدی از مالیات را به انواع موجود اضافه کنند.

اطلاعات چهارشنبه ۵۹/۱۱/۱۵ با درج خبری کوتاه-شاهکاری بزرگ از قفهای شورای نگهبان راجع به اطلاع مردم رساننده بدین مضمون گشته حضرات آئین نامه ای اجزایی قانون لغو مالکیت زلفی شهری را مغایر با موازین شرعی دانسته و اجرای آنرا تنها در مورد اموالی گنه از لزیق غیرمشروع مانند اختلاس، ربا و عدم پرداخت وجوه شرعیه بدست آمده باشد مجاز میدانند.

گرچه در شیفتگی حضرات و حکومت قسروان و سلطان پیمان نسبت به سرمایه و سرمایه داران و در دشمنی عمیقشان با لغو مالکیت خصوصی و زحمتکشان جامعه کمترین تردیدی نداریم و حتی تشخیص موری چون اختلاس و ربا را هم در حد ماهیت و لیاقت آقاییان نمیدانیم لیکن با فرض قبول این دو اصل بعنوان دلایلی برای لغو مالکیت ارضی شهری به اصل مسأله یعنی تالیل سوم که عبارت از عدم پرداخت وجوه شرعیه است میپردازیم. وجوه شرعیه یعنی

هفتس، زکوه، فطریه و... در حقیقت مناسبی از منی درآمد روحانیت است تا از طریق دریافت آن بدون کمترین زحمت و کسب راز "مستکبرین" (یعنی سرمایه داران)، "مستضعفین" (یعنی زحمتکشان) را بشارت دهند که خواست خداست که تو همواره فقیر باشی و سرمایه دار همواره سرمایه دار باقی بماند. آقاییان قفهای شورای نگهبان با قرار دادن مسأله عدم پرداخت وجوه شرعیه در کنار اختلاس و ربا بعنوان دلایل لغو مالکیت ارضی شهری با یک شیر چند هدف را نشانه گرفته اند. اولاً برای خلق الله چنین وانمود میکنند که بلم میا ربا خواران، اختلاس کنندگان و کیمانی را که وجوه شرعیه (یعنی سهم خودایشان) را نپرداخته زند از حاکمیت محروم میکنیم. ثانیاً به مالیکن و تجار محترم نوید میدهند که بهیچ وجه نگران نباشید و با چرب کردن سبیل ما (پرداخت وجوه شرعیه) با خیال راحت بسبب مالیکت مشروع خود که از دسترنج زحمتکشان بدست آمده، همچنان ادامه دهید. ثالثاً به محاکم شرعیه اجازه داده میشود که با تکیه بر این اصول هر جنبنده ای که دست از پا خطا کرد را از تنها همتش مثلاً یک خانه ای دو اطاقه ساقط کنند. چرا که روشن است امکان اختلاس، ربا و پرداخت وجوه شرعیه تنها در بسبب قدرت سرمایه داران است و نه اکثریت جامعه که با اصلا مالک چیزی نیست و اگر هم باشد چنان ناچیز است که شاید تا بحال آقاییان طرفدار مستضعفین شرمشان میشد از اینکه دست طمع بسوی آنها دراز کنند. از این پس پرداخت وجوه شرعیه

رفقای هوادار! هموطنان مبارز!

سازمان ما برای پیشبرد برنامه های مبارزاتی خود احتیاج مبرم به کمکهای مالی شما دارد.
کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به ما برسانید.

توضیح

متأسفانه درج قسمت چهارم از مقاله ای "اعتمادات کارگری در لهستان" بعلت تراکم مطالب در این شماره منسوخ شد.

دو سال پس از قیام، این است مبارزگان، زندگان، قفق،